

# بزرگ ترین نویسندگان دنیا و کارهای هر روزشان

**ترجمه:محمد کاملان**
خلق یک اثر سخت‌ترین کار دنیاست و نویسندگی ممکن است در نگاه اول ساده به‌نظر برسد اما کافی است کاغذ و قلم به‌دست بگیرید و به قصد نوشتن مشغول شوید. بعد از گذشت چند ساعت متوجه خواهید شد که نویسندگی تا چه اندازه کار سخت و طاقت‌فرسایی است و چقدر نیازمند ذهنی خلاق و سرشار از ایده‌های جدید است. جالب است بدانید بعضی از بزرگان، نویسندگی را به زایمان تشبیه می‌کنند و بر این باور هستند همانند زایمان که با درد و خون‌ریزی همراه است نویسندگی نیز فشار زیادی به جسم و روح انسان وارد می‌کند. شخصیت‌های یک اثر که پیش از این وجود نداشته‌اند توسط نویسنده جان می‌گیرند و اگر این شخصیت‌پرداز ی غنی و بی‌عیب و نقص انجام شده باشند این شخصیت‌ها حتی پس از مرگ نویسنده نیز به حیات خود در ذهن مخاطبین آینده ادامه می‌دهند. با این حساب کاملاً مشخص است نویسندگی نیازمند شرایط خاصی است و نویسندگان چیره‌دست دنیا کارهای عجیب و جالبی را روزانه انجام می‌دانند تا بتوانند از پس نوشتن بزرگ‌ترین اثرهای ادبی برآیند. از آنجایی که در هفته کتاب و کتابخوانی به‌سر می‌بریم این رویداد فرخنده را به فال نیک می‌گیریم و در ادامه با هم نگاهی به کارهایی خواهیم داشت که بزرگ‌ترین نویسندگان و شاعران دنیا روزانه انجام می‌دانند.

**جین آستن**



بدون شک اگر اهل خواندن آثار کلاسیک باشید جین آستن را می‌شناسید، این نویسنده معروف قرن هجده و نوزدهم میلادی که در انگلستان زندگی می‌کرد با آثار خود توانست دنیا را تکان دهد و از جوانی شروع به قلم‌فرسایی و نگارش کرد تا اینکه دست‌آخر به نویسندهای جهانی تبدیل شد که آثارش هنوز هم مخاطبین زیادی دارند. نویسنده رمان معروف *غرور و تعصب* رسم داشت صبح‌ها رس ساعت ۹ مدتی پیانو بنوازد و سپس به اتاقش می‌رفت و شروع به نوشتن می‌کرد. در عمری که آستن زندگی می‌کرد خانه‌داری و رسیدگی به امور منزل از اهمیت‌هایی بود که از بانوان انتظار می‌رفت در نتیجه وظیفهٔ آماده کردن صبحانه نیز بر عهده آستن بود.

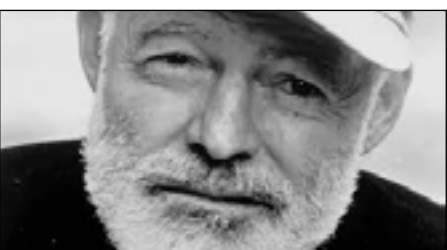
گفته می‌شود اگر در حین نوشتن به ناگاه مهمانی سرزده از راه می‌رسید، جین نوشته‌های خود را از دید مهمان مخفی می‌کرد و در کنار خواهرانش به دوخت و دوز که عادت بانوان آن دوره بود مشغول می‌شد. بعد از ظهرهای آستن نیز با کتاب و نگارش می‌گذشت و عادت داشت عصرها بلند کتاب بخواند، گاهی اوقات نیز پیش‌نویس کتاب‌هایی که نوشته بود را با صدای بلند برای خودش می‌خواند تا بازخورد نوشته‌هایش را از اعضای خانواده دریافت کند.

**مایا آنجلو**



مایا آنجلو یکی از تاثیرگذارترین شاعران و نویسندگان سیاه‌پوست عصر حاضر است و در کنار نویسندگی به‌عنوان یکی از فعالان مدنی در جامعه سیاهان آمریکا شناخته می‌شود. تالیف‌های مایا آنجلو بیشتر از ۵۰ جلد کتاب و نمایش‌نامه است و سری خاطرات هفتگانه‌ای از زندگی‌اش نگاشت که شهرت جهانی را برای او ارمان آورد. آنجلو برای تمرکز بیشتر و دوری از شلوغی زندگی در هتلی نزدیک به محل زندگی‌اش یک اتاق اجاره کرده بود. وی تمامی تابلوها و لوازم زینتی این اتاق را کنار گذاشته بود تا چیزی مزاحم تمرکز او در حین نگارش نشود. از طرف دیگر از کارمندان هتل نیز درخواست کرده بود که تحت هیچ شرایطی مزاحمتی برایش ایجاد نکنند. مایا آنجلو مدت‌های زیادی از زندگی‌اش را در این اتاق گذراند اما حتی برای یک شب هم در اتاقی که اجاره کرده بود نخوابید و هر روز ساعت ۴ بعد از ظهر کارش را تمام می‌کرد و به خانه‌اش باز می‌گشت.

**ارنست همینگوی**



همینگوی برنده جایزه نوبل ادبیات است و یکی از تاثیرگذارترین افراد در دنیای نویسندگی به‌حساب می‌آید. وی نویسندگی خود را با کار خبرنگاری شروع کرد و در کنار خبرنگاری داستان هم می‌نوشت تا اینکه نوشته‌هایش مورد قبول جامعه ادبی آن زمان واقع شد و اسم و رسم خوبی برای خودش بدست آورد. وی که به لطف و دریا جایزه نوبل را نیز در کارنامه خود دارد عادت داشت سپیده دم از خواب بیدار شود و مشغول به نوشتن میشد. وی مدعی بود صبح زود بهترین زمان برای نویسندگی است و کسی مزاحم او نمی‌شود. جالب است بدانید میز همینگوی به‌نوعی طراحی شده بود که او باید ایستاده بر روی این میز می‌نوشت. پس از اینکه پیش‌نویس نوشته خود را با مداد روی میز ایستاده انجام می‌داد، این پیش‌نویس را با ماشین تحریر، تایپ می‌کرد.

همینگوی نویسنده منظم و با برنامه‌ای بود و نگارش کتاب‌هایش را روی یک تخته بزرگ زمان‌بندی می‌کرد و تعداد واژه‌هایی که در هر روز نوشته بود را در این تخته می‌نوشت تا همیشه در جریان پیشرفت کارش باشد. وی خودش را موظف کرده بود که دست‌کم روزی ۵۰۰ واژه بنویسد، حتی اگر قرار بود روز بعد به ماهیگیری و تفریح برود سعی می‌کرد به جای ۵۰۰ واژه تعداد ۱۰۰۰ یا ۱۵۰۰ واژه بنویسد تا نبود او در روزهای آینده باعث نشود از برنامه‌اش عقب بیافتد.

**استیون کینگ**

حتی اگر کتابی از استیون کینگ نخوانده باشید باز هم به احتمال زیاد یکی از فیلم‌هایی که از کتاب‌های وی اقتباس شده‌اند را دیده‌اید. استیون کینگ چیزی بیشتر از ۲۰۰ اثر در سبک وحشت دارد و آثار

## { فرهنگ و هنر }

شب‌های موراکامی نیز با گوش فرادادن به موسیقی و صرف شام سپری می‌شود و در نهایت راس ساعت ۹ شب به بسر می‌رود تا روز آینده سرحال و قیراق به نوشتن ادامه دهد. جالب است بدانید این زمان‌بندی در زندگی موراکامی به‌هیچ وجه تغییر نمی‌کند و به روشی همیشگی و روتین تبدیل شده است.

**فرانس کافکا**

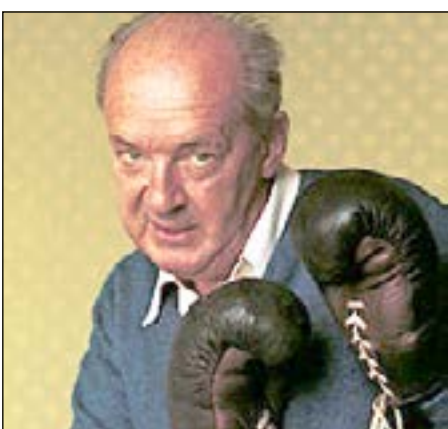


کافکا یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان آلمان در قرن بیستم شناخته می‌شود و نوشته‌های او تأثیر زیادی در ادبیات غرب داشته‌اند. کافکا که در کشور ما و دنیا بیشتر با رمان *سیخ* شناخته می‌شود عمر زیادی نکرد و در چهل سالگی جانش را از دست داد. جالب اینجاست که کافکا به دوستش وصیت کرده بود پس از مرگش تمامی نوشته‌های او را بسوزاند اما دوست او به این وصیت عمل نکرد و با انتشار نوشته‌های کافکا شهرت جهانی را برای این نویسنده مرحوم رقم زد.

در اوایل سال‌های ۱۹۰۰ میلادی کافکا در مقام یک پزشک در شهر پراگ خدمت می‌کرد و در آن مان در یک آپارتمان کوچک به همراه خانواده‌اش مشغول به زندگی بود. در نتیجه برای اینکه بتواند دور از مزاحمت افراد خانواده به عشق خود که نوشتن بود ادامه دهد شب‌ها را برای اینکار انتخاب کرد و وقتی همه در خواب شیرین بودند کافکا دود چراغ می‌خورد و می‌نوشت.

گفته می‌شود بعضی از شب‌ها اعضای خانواده دیرتر از معمول می‌خوابیدند و در نتیجه کافکا چاره‌ای نداشت به غیر از اینکه تا پاسی از شب مشغول نوشتن باشد، گاهی اوقات نیز نگارش کافکا تا صبح روز بعد ادامه پیدا می‌کرد.

**ولادیمیر نابوکوف**



وقتی صحبت از نویسندگان بزرگ روس به‌مان می‌آید همیشه نامی از نابوکوف را می‌نویسیم، این نویسنده شهیر روس که بیشتر آثار او به زبان فارسی نیز ترجمه شده است فراغ‌التحصیل دانشگاه کمبریج است و بیشتر عمر خود را در آمریکا گذراند.

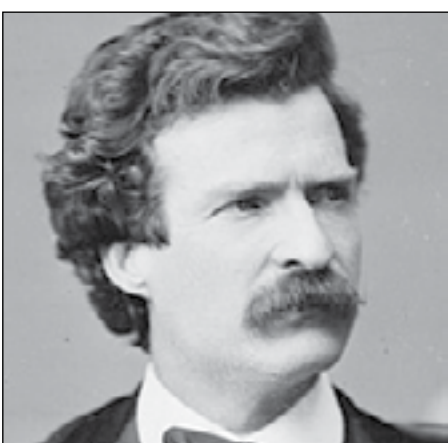
نابوکوف چیزی حدود ۱۸ رمان و ۸ مجموعه داستان را در کارنامه خود دارد و در میان آثار او چندین کتاب شعر و نمایشنامه نیز به‌چشم می‌خورد.

نابوکوف برای نوشتن عادت‌های عجیب و غریب زیادی داشت و پیش‌نوشته کتاب‌هایش را با مداد روی کارت‌های فهرست گذاری شده‌ای می‌نوشت.

سپس این کارت‌ها را در جعبه‌های بزرگ قرار می‌داد و مشغول به نوشتن نسخه‌هایی کتاب می‌شد. ولادیمیر نابوکوف مدعی بود این روش به وی کمک می‌کند تا صحنه‌های مختلف داستان را با هم ترکیب کند یا جای این صحنه‌ها را با بیرون آوردن یکی از کارت‌ها و گذاشتن آن کارت در قسمت دیگری از جعبه کارت‌های مخصوص یک داستان تعویض نماید.

نابوکوف پس از نگارش پیش‌نویس، کارت‌ها را به همسرش می‌داد تا داستان نهایی توسط همسرش تایپ شود.

**مارک تواین**



این نویسنده فقید آمریکایی را تمام دنیا به‌خاطر رمان‌های معروف ماجراجویی هاکلبری فین و ماجراهای تام سایر می‌شناسند.

مارک توین نویسنده دنیا دیده‌ای بود و کتاب‌هایش نیز فروش خوبی داشتند اما زندگی روی چندان خوشی به او نشان نداد و مرگ دخترانش در عرض چند سال باعث شد مارک توین نیز تغییر روحیه شدید پیدا کند که این تغییر روحیه در آثار او نیز کاملاً نمود پیدا کرده است.

مارک توین عقیده زیادی به خوردن صبحانه مقوی و سالم داشت و ساعت ۵ بعد از ظهر می‌وقفه می‌نوشت.

نگارش کتاب‌هایش به اندازه‌ای برای توین اهمیت داشت که حتی ناهار را نیز کنار می‌گذاشت و خانواده‌اش به‌خوبی از جدیت او در حین نگارش باخبر بودند و وقتی که مشغول نوشتن بود کسی از افراد خانواده اجازه مزاحمت نداشت.

جالب اینجاست‌اگر پیشامد ناخوشایندی رخ می‌داد و اعضای خانواده هر و روز صبح راس ساعت پنج و سی دقیقه بامداد مشغول به کار می‌شدو تا ساعت ۸صبح‌یوقفه کار میکرد. سپس صبحانه‌ای مفصل می‌خورد و تا ساعت ۱۰ به کارش ادامه می‌داد. در نهایت نیز از پشت میزش بلند می‌شد و برای انجام کارهای روزانه و قدم زدن در خیابان از خانه بیرون می‌رفت. کورت ونه‌گات در حین بازگشت به خانه سری به استخر می‌زد و چیزی حدود نیم ساعت شنا می‌کرد و در نهایت برای صرف ناهار به خانه باز می‌گشت. این زندگی سالم باعث شد ونه‌گات چیزی حدود ۸۴ سال عمر کند و در نهایت بر اثر افتادن یک جسم سنگین روی سرش، دچار آسیب‌مغزی شود.

**ویکتور هوگو**

نویسنده رمان بی‌نویان به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین نویسنده‌های فرانسوی شناخته می‌شود و در کنار رمان فراموش‌نشدنی بی‌نویان آثار

بزرگ دیگری مانند گوژپشت نتردام و مردی که می‌خندد را در کارنامه خود دارد.



ویکتور هوگو نگاهی منتقدانه به جامعه فرانسه داشت و این انتقادها را به خوبی در کتاب بی‌نویان مطرح کرد. این نویسنده شهیر فرانسوی صبح‌ها از خوب بر می‌خاست و پس از دم کردن قهوه ناهم‌ای که از معشوقه‌اش دریافت کرده بود را می‌خواند و تعداد زیادی تخم‌مرغ را برای صبحانه آماده می‌کرد و پس از خوردن صبحانه‌ای مفصل خود را در اتاقش محبوس می‌کرد و مشغول به نوشتن می‌شد.

ویکتور هوگو همانند بسیاری دیگر از نویسندگان موفق عادت‌های خاصی را برای انتخاب اتاق داشت و حتماً باید پشت یک میز کوچک که جلوی اینه قرار گرفته بود می‌نستست و تا ساعت ۱۱ صبح به هیچ دلیلی دست از نوشتن بر نمی‌داشت.

**چارلز دیکنز**



خالق آثار بزرگی مانند دیوید کاپرفیلد، آرزوهای بزرگ و الیور تویتست به‌عنوان یکی از سرشناس‌ترین نویسنده‌های انگلیسی شناخته می‌شود و رمان‌های وی برای خواننده‌های ایرانی نیز کاملاً آشنا هستند. دیکنز زندگی حرفه‌ای خود را با روزنامه‌نگاری شروع کرد و بعدها به نویسندهای تمام وقت تبدیل شد. چارلز دیکنز ۱۰ فرزند داشت و تا آخر عمر دست از کتاب‌خوانی و نگارش برنداشت و در حالی که مشغول آخرین کارش بود بر اثر سکتته قلبی از دنیا رفت.

همان‌گونه که اشاره شد چارلز دیکنز ۱۰ فرزند داشت اما از آن دسته نویسندگانی بود که باید حتماً در سکوت و آرامش می‌نوشت، در نتیجه برای اتاق خودش دو در محکم نصب کرده بود تا سر و صدای محیط بیرون تمرکز او را بر هم نزنند. دیکنز میز کارش را جلوی پنجره قرار داده بود و تمام لوازم مورد نیاز یک نویسنده در روی این میز قرار گرفته بود. وی برای نگارش از بَر بزندگان و جوهر آبی استفاده می‌کرد و روی میزش گل‌های تازه و معطر و چند مجسمه از طلا و برنز قرار می‌داد.

**ئی بی وایت**



این نویسنده برنده جایزه پولیتزر را اما ایرانی‌ها بیشتر به‌دلیل کتاب‌های قوی شپووزن و استورات لیتل می‌شناسیم. ئی بی وایت برای روزنامه‌ها نیز مطلب می‌نوشت و چیزی نزدیک به شصت‌سال در مجله نیویورکر که یکی از معتبرترین مجلات ادبی امریکاست سابقه کار داشت. ئی بی وایت عادت‌های عجیب زیادی داشت و به‌رغم اینکه نمی‌توانست در حین نوشتن حتی به موسیقی گوش دهد مشکلی با حضور افراد خانواده در کنارش نداشت و ترجیح می‌داد روزها در اتاق پذیرایی به همراه سایر اعضای خانواده بنشیند و مشغول نگارش کتاب شود. اتاق پذیرایی ئی بی وایت، مکانی نورگیر و بزرگ بود و اعضای خانواده دلم در این اتاق رفت و آمد داشتند و گاهی نیز با تلفن مشغول به صحبت می‌شدند اما این موارد هیچ لطمه‌ای به نگارش ئی بی وایت وارد نکرد و در همین شرایط شلوغ و غیرعادی آثار بسیاری بزرگی را به جامعه ادبی جهان عرضه کرد.

**کورت ونه‌گات**



ونه‌گات در رشته شیمی تحصیل کرده بود اما عشق او به ادبیات وی را به داستان نویسی سوق داد و کتاب‌های بزرگی مانند سلاح‌خانه شماره پنج و گهواره گریه را از خود به‌جای گذاشت. کتاب سلاح‌خانه شماره پنج در میان ایرانی‌ها نیز کتابی شناخته شده است ترجمه‌های خوبی از این کتاب را در بازار شاهد هستیم. این کتاب‌ها کورت ونه‌گات را به‌اندازه‌ای محبوب کردند که در سال ۱۹۹۹ یک سیارک به نام وی نامگذاری شد. ونه‌گات سحرخیزی را رمز کامروایی خود می‌دانست و هر روز صبح راس ساعت پنج و سی دقیقه بامداد مشغول به کار می‌شدو تا ساعت ۸صبح‌یوقفه کار میکرد. سپس صبحانه‌ای مفصل می‌خورد و تا ساعت ۱۰ به کارش ادامه می‌داد. در نهایت نیز از پشت میزش بلند می‌شد و برای انجام کارهای روزانه و قدم زدن در خیابان از خانه بیرون می‌رفت. کورت ونه‌گات در حین بازگشت به خانه سری به استخر می‌زد و چیزی حدود نیم ساعت شنا می‌کرد و در نهایت برای صرف ناهار به خانه باز می‌گشت. این زندگی سالم باعث شد ونه‌گات چیزی حدود ۸۴ سال عمر کند و در نهایت بر اثر افتادن یک جسم سنگین روی سرش، دچار آسیب‌مغزی شود.

## چهارشنبه ۳۰ آبان ۱۳۹۷

**خبرها**

## سالار عقیلی: همواره به صدای ایرج خواجه‌امیری غبطه می‌خورم

**بخش فرهنگی** – سالار عقیلی در مراسم رونمایی از قطعه «آوای ایران» اعلام کرد که همواره به صدای ایرج خواجه‌امیری غبطه خورده است.

به گزارش خبرآنلاین، مراسم رونمایی از قطعه «آوای ایران» که کار مشترکی از ایرج خواجه امیری و سالار عقیلی است، عصر امروز دوشنبه ۲۸ آبان با حضور جمعی از هنرمندان و علاقه‌مندان به این دو هنرمند در بوستان گت‌وگو برگزار شد.

در ابتدای این مراسم، سالار عقیلی نخستین دلیل همکاری‌اش با ایرج خواجه‌امیری را ادای دین به این پیشکسوت حوزه موسیقی دانست و گفت: «در طول فعالیتیم در حوزه موسیقی همواره به استاد ایرج خواجه امیری و صدای او که همچنان در ۸۶ سالگی پرصلابت است، غبطه خورده‌ام و همواره فکر می‌کنم که اگر من هم بتوانم در سن ۸۶ سالگی همچون استاد بخوانم بسیار خوشحال خواهم شد. دلیل دیگری که این اثر ساخته و منتشر شده، اهمیت شناساندن نسل قدیم موسیقی ایران به نسل جدید است. امیدوارم این اثر مفهومی که مدنظر داشته‌ایم را به مخاطبان منتقل کند».

در بخش دیگر این مراسم، نوبت به خواننده پیشکسوت ایرج خواجه امیری رسید که در سخنان کوتاهی ضمن قدردانی از محبت حاضران، بیان کرد: «آواز خوان خوبی هستم اما سخنران خوبی نه، من در موسیقی از آواز تاج اصفهانی پیروی کردم ولی شاگرد او نبودم، به نظر منکتب آوازی اصفهان برترین مکتب بین مکتاب آوازی ایران است».

در پایان این مراسم ضمن برگزاری جشن امضای این قطعه توسط سالار عقیلی و ایرج خواجه‌امیری، از تمبر ویژه «قطعه آوای ایران» رونمایی شد.

●●●●●

## باران کوثری و حسن معجونی در «بی حسی موضعی»

**بخش فرهنگی** – «بی حسی موضعی» سومین همکاری مشترک کوثری و معجونی بعد از فیلم‌های «قصه‌ها» و «بی‌نامی» محسوب می‌شود.

به گزارش ایلنا، پیش‌تولید فیلم سینمایی «بی حسی موضعی» به کارگردانی حسین مهکام در حالی که روزهای پایانی نزدیک می‌شود که پس از پارسا پیروزفر و سهیل مستجابیان به تازگی باران کوثری و حسن معجونی هم به ترکیب بازیگران فیلم اضافه شده‌اند.

«بی حسی موضعی» سومین همکاری مشترک کوثری و معجونی بعد از «قصه‌ها» و «بی نامی» محسوب می‌شود. این فیلم یک بازیگر مطرح دیگر نیز دارد که طی روزهای آینده انتخاب و معرفی می‌شود. این فیلم قرار است برای نمایش در سی و هفتمین جشنواره فیلم آماده شود. حبیب رضایی پس از سالها حضور در سینما به عنوان بازیگر، برای نخستین بار تهیه‌کنندگی یک فیلم سینمایی را برعهده گرفته است. همچنین «محمد صادق رنجکشان» به عنوان سرمایه‌گذار و مجری طرح در این پروژه سینمایی حضور دارد. «بی حسی موضعی» نام موفق سومین ساخته حسین مهکام بعد از فیلم‌های «آزادی مشروط» و «اندرایتک» است.

●●●●●

## «دلبند» ایرانی در رتبه دوم آرای مردمی «ایدفا»

**بخش فرهنگی** – مستند «دلبند» به کارگردانی یاسر طالیی در میان سیمید فیلم حاضر در جشنواره بین‌المللی مستند آمستردام (ایدفا)، تاکنون در رتبه دوم بهترین فیلم از نگاه تماشاگران قرار گرفته است. به گزارش ایسنا، با گذشت پنج روز از جشنواره مستند آمستردام (ایدفا)، «دلبند» تنها با نمایش اول خود و با امتیاز ۹.۲ از ۱۰، پشت سر مستند آمریکایی «Don't Be A Dick About It» با امتیاز ۹.۵، در رتبه دوم جدول ده فیلم برتر مخاطبان این رویداد سینمایی قرار گرفته است.

گفته می‌شود؛ نمایش دوم این فیلم نیز با استقبال مواجه شد و کلیه بلیت‌های آن به فروش رفته است و در جلسه پرسش و پاسخ عوامل فیلم، بازخوردهای مثبت تماشاگران و همذات پنداری آنها با شخصیت اصلی مستند، فضایی متفاوت را ایجاد کرده بود.

مستند «دلبند» قصه زندگی دشوار اما به دلخواه یک مادر هشتاد و سه ساله و تنها به نام «فیروزه» است که زندگی منحصر به فردی در دل رشته کوه‌های البرز دارد.

یاسر طالیی از انگیزه‌اش برای ساخت فیلم می‌گوید: عشق همیشه رنج دلخواه را به همراه دارد، در واقع آدمی رنج را بخاطر عشق نمی‌بیند… کشف رمز و راز زندگی ساده‌ی فیروزه و نگرش عمیقش نسبت به حیات و ارتباط با طبیعت پیرامونی و دلستگی به گاوهایش، دلیل اصلی ساختن این فیلم است.

او ادامه داد: مهم‌ترین ویژگی که زندگی «فیروزه» را نسبت به دیگر زنان همسان وی، متفاوت کرده است، عشق است. عشق در لایه‌های پنهان و پیدای زندگی این زن نمایان است و هرچند که شرایط زندگی، از او زنی سرسخت و مقاوم ساخته است اما در مقابل عشق همچنان انعطاف پذیر و شکننده است تا جایی که حاضر است بخاطر عشق و علاقه‌ی وافری که به گاوهایش دارد از انتخاب زندگی بهتر برای آسایش و راحتی خود، دست بردارد. «دلبند» را با پادی از مادربزرگم ساختم.

برنده جایزه ۵ هزار یورویی بهترین فیلم از نگاه تماشاگران جشنواره ایدفا ۲۰۱۸ روز ۲۳ نوامبر (جمعه دوم آذر) معرفی می‌شود.

در دومین نمایش مستند «دلبند» در جشنواره‌ی فیلم آمستردام،مینیایی از شبکه مستند و محسن خان‌جهانی مستندساز هم حضور داشتند.